



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده تاریخ

رساله دکتری رشته تاریخ ایران بعد از اسلام

بررسی تطبیقی – تاریخی مسئله نهادینه شدن

احزاب سیاسی در ایران و مالزی

(از ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۰)

استاد راهنما

دکتر عبدالرحمن حسنی فر

استادان مشاور

دکتر علیرضا ملایی توانی

دکتر محمد سالار کسرای

پژوهشگر

علی سالمی

اسفند ماه ۱۴۰۰



سپاسگزاری

لازم می‌دانم از پرفسور چاندرا مظفر استاد روابط بین‌الملل و رئیس بنیاد عدالت در مالزی، پرفسور شمسول امیر بهار الدین استاد مردم‌شناسی و مدیر مؤسس بنیاد قوم‌شناسی دانشگاه یو کی ام مالزی و دکتر سلطان‌زاده استاد جامعه‌شناسی مقیم کوالالامپور که ضمن مساعدت در تهیه منابع موردنیاز و ارائه نظرات تخصصی مراجع قابل اتکایی را برای تدوین رساله پیش رو فراهم کردند تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر حسنی فر، استاد مشاور اول جناب آقای دکتر ملایی توانی و استاد مشاور دوم جناب آقای دکتر کسرایی به خاطر ارائه نقطه نظرات و تجربیات تحقیقاتی که به غنای این رساله افزود سپاسگزارم.

از همسرم سرکار خانم محدثه دادگری به خاطر حمایت‌ها و فراهم ساختن فضای مناسب و آرام در جریان تدوین پایان‌نامه مزبور قدردانی و تشکر می‌نمایم و از خداوند صحت و سلامتی برای ایشان خواستارم.

چکیده

انتخاب و بررسی موضوع نهاده‌ی شدن احزاب سیاسی در ایران و مالزی فضای مناسبی برای یافتن راه‌حل علمی مسئله‌ای را فراهم ساخته است که امروزه مهم‌ترین دغدغه‌ی نخبگان دو کشور محسوب می‌شود. به‌رغم سابقه طولانی مساعی ایرانیان برای رسیدن به توسعه سیاسی و دموکراسی و تاریخ ۱۲۰ ساله حزب، عدم نهاده‌ی شدن احزاب سیاسی هنوز هم اصلی‌ترین مسئله در توسعه سیاسی ایران به شمار می‌رود. از سوی دیگر نزدیک به ۷۰ سال از تشکیل و استقلال مالزی می‌گذرد و این کشور در این چند دهه موفق شده به سطح مقبولی از توسعه سیاسی دست یابد و جامعه مدنی به حدی از نهادمندی رسیده که می‌تواند پاسخ‌گوی روند روبه رشد مشارکت سیاسی باشد. پژوهش حاضر به دنبال آن است تا ضمن مقایسه دو کشور ایران و مالزی به این پرسش بنیادی پاسخ دهد که چرا جامعه ایران به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در طول بیش از یک قرن اخیر نتوانسته احزاب سیاسی را نهاده‌ی نماید اما کشور مالزی در زمانی اندک بعد از شکل‌گیری، موفق به توسعه و نهاده‌ی شدن احزاب شده است؟

در این پژوهش ضمن اتکا به نظریه‌های نهادگرایان و دیدگاه‌های ساموئل هانتینگتون و داگلاس نورث که بر اهمیت ساخت نهادها از جمله احزاب سیاسی در راستای تحقق توسعه سیاسی و در نتیجه کاهش خشونت و ایجاد پایداری و ثبات در جامعه تأکید دارند، تلاش شد با بهره‌گیری از روش تطبیقی - تاریخی و مقایسه روند نهاده‌ی شدن احزاب سیاسی با جامعه سیاسی مالزی که مشابهت‌های بسیاری با ایران دارد، ابعاد مختلف مسئله روشن شده و راه‌حل علمی برای این مشکل تاریخی ارائه گردد.

در ادامه با مشخص ساختن چهار عامل: سیاست و حکومت، دین و فرهنگ سیاسی، قدرت‌های خارجی و نوسازی اقتصادی، تأثیرگذاری آن‌ها در روند نهاده‌ی شدن احزاب سیاسی در جوامع ایران و مالزی مورد بررسی مقایسه‌ای قرار گرفت. در ایران ماهیت عواملی مانند ساختار پاتریمونیالیستی و عمودی قدرت؛ تصمیم‌گیری‌های شخصی پادشاهان؛ نقش نهادهای دینی و قدرتمند بودن طبقه روحانیت؛ فرهنگ عشایری؛ خودکامگی حاکمان؛ بعلاوه منافع قدرت‌های خارجی (روسیه، انگلیس و آمریکا) و برنامه‌های نوسازی اقتصادی به تضعیف زمینه‌های توسعه سیاسی و روند نهاده‌ی شدن احزاب سیاسی انجامیده است. اما، در مالزی ماهیت سیاست و حکومت؛ تعدیل شدن قدرت پادشاهان و سلاطین به واسطه سردسته‌ها و رؤسای جوامع محلی؛ ساختار فئودالی؛ ضعیف بودن نهادهای دینی؛ اسلام توأم با تسامح و تساهل برای همزیستی با اقوام هندی و چینی تبار در مالزی؛ عمودی نبودن رابطه حکام و رعایا؛ تأثیرگذاری استعمار بریتانیا و ژاپن بر ساخت سیاسی و توفیقات نسبی برنامه‌های نوسازی اقتصادی در ترغیب اقوام مختلف به پیگیری روند دموکراتیک، از جمله عوامل بستر ساز و مؤثر برای نهاده‌ی شدن احزاب سیاسی است.

کلیدواژه‌ها: ایران، مالزی، نهاده‌ی شدن، توسعه سیاسی، احزاب سیاسی، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، نوسازی اقتصادی.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول - کلیات پژوهش	۵
۱-۱ بیان مسئله.....	۵
۱-۲ اهداف و اهمیت پژوهش.....	۸
اهداف.....	۸
۱-۳ پیشینه پژوهش.....	۹
۱-۴ روش پژوهش.....	۱۴
فصل دوم- مباحث نظری و مفهومی	۱۹
۲-۱ مبانی نظری و معرفتی.....	۱۹
۲-۲ نهادمندی.....	۲۰
۱-۲-۲ معیارهای نهادمندی.....	۲۱
تطبیق پذیری.....	۲۱
پیچیدگی.....	۲۲
استقلال.....	۲۲
انسجام.....	۲۲
۲-۲-۲ نهادها و اختلافات قومی.....	۲۲
۲-۲-۳ نهادگرایی و توسعه سیاسی.....	۲۳
۴-۲-۲ نهادینه شدن نظام حزبی.....	۲۵
۳-۲ توسعه.....	۲۶
۴-۲ توسعه سیاسی.....	۲۹
۶-۲ احزاب سیاسی.....	۳۱
۱-۶-۲ انواع نظام های حزبی.....	۳۲
۲-۶-۲ خاستگاه احزاب.....	۳۳
۳-۶-۲ کارویژه احزاب سیاسی.....	۳۳
۲-۶-۴ چارچوب مفهومی احزاب.....	۳۴
۵-۶-۲ عوامل مشترک و تاثیرگذار در روند نهادینه شدن احزاب سیاسی.....	۳۵
فصل سوم - روند نهادینه شدن احزاب سیاسی در ایران	۳۹
مقدمه.....	۳۹
۱-۳ حزب در ایران.....	۴۰

۴۰	۱-۱-۳ دوره اول تحزب.....
۴۲	۲-۱-۳ شرایط حاکم بر ابتدای دهه ۱۳۲۰/۱۹۴۰.....
۴۳	۳-۱-۳ دوره دوم تحزب ۱۳۲۰-۱۳۳۲/۱۹۴۱-۱۹۵۳.....
۴۴	۴-۱-۳ دوره سوم تحزب (۱۳۳۹-۱۳۴۲ / ۱۹۶۰-۱۹۶۳).....
۴۵	۵-۱-۳ دوره چهارم تحزب (۱۳۴۲-۱۳۵۷/۱۹۶۳-۱۹۷۹).....
۴۵	۲-۳ تحزب و جبهه ملی.....
۴۷	بررسی فرآیند شکل‌گیری و تداوم برخی احزاب و تشکل‌ها.....
۴۸	۱-۲-۳ جبهه ملی.....
۴۹	اساسنامه و آیین نامه جبهه ملی.....
۵۲	نهیض مقاومت ملی.....
۵۳	۲-۲-۳ حزب ایران.....
۵۴	۳-۲-۳ حزب زحمتکشان ملت ایران.....
۵۵	۴-۲-۳ حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم).....
۵۶	دیدگاه‌های خلیل ملکی.....
۵۷	۵-۲-۳ جامعه سوسیالیست‌های نهیض ملی ایران.....
۵۸	۶-۲-۳ نهیض آزادی.....
۵۹	۷-۲-۳ نهیض خدا پرستان سوسیالیست.....
۶۰	۸-۲-۳ حزب ملت ایران.....
۶۱	۹-۲-۳ حزب اتحاد.....
۶۲	۱۰-۲-۳ سازمان فدائیان اسلام.....
۶۴	۱۱-۲-۳ هیات‌های مؤتلفه اسلامی.....
۶۶	۳-۳ نظام پارلمانی در ایران.....
۶۶	۱-۳-۳ مجلس شورای ملی.....
۶۹	۲-۳-۳ مجلس سنا.....
۷۰	بررسی عوامل چهارگانه تاثیرگذار در نهادینه شدن احزاب سیاسی.....
۷۰	۴-۳ سیاست و حکومت در ایران.....
۷۰	۱-۴-۳ ساخت قدرت.....
۷۱	۱-۱-۴-۳ ساخت قدرت در دوره قاجار.....
۷۳	۲-۱-۴-۳ ساخت قدرت در دوره رضا شاه.....
۷۴	۳-۱-۴-۳ ساخت قدرت در دوره محمدرضا شاه پهلوی.....
۷۴	ویژگی‌های ساخت قدرت.....
۷۵	قدرت‌های چهارگانه.....
۷۷	جایگاه پادشاه در قانون اساسی.....
۷۹	۲-۴-۳ ساز و کار تصمیم‌گیری.....
۸۰	۵-۳ اسلام و فرهنگ سیاسی.....

۸۰	۳-۵-۱ اسلام در ایران.....
۸۰	۳-۵-۱-۱ علما در دوره قاجار.....
۸۳	۳-۵-۱-۲ دین و علما در دوره پس از مشروطیت.....
۸۳	دوره رضا شاه.....
۸۴	مذهب و علمای دینی در دوره محمدرضا شاه.....
۸۶	۳-۵-۲ فرهنگ سیاسی.....
۸۹	۳-۵-۲-۱ فرهنگ سیاسی در دوره مشروطیت.....
۸۹	۳-۵-۲-۲ فرهنگ سیاسی در دوره پهلوی‌ها.....
۹۰	۳-۵-۲-۳ فرهنگ سیاسی محمدرضا شاه.....
۹۲	۳-۶-۶ نقش قدرت‌های خارجی.....
۹۳	۳-۶-۱ انقلاب مشروطیت.....
۹۳	۳-۶-۱-۱ روسیه.....
۹۵	انگلیس و روی کار آمدن رضاخان.....
۹۷	راهبرد نگاه نو آمریکا و موقعیت ایران.....
۹۸	۳-۶-۲ انگلیس و سرنگونی دولت دکتر مصدق.....
۹۹	۳-۶-۳ نقش آمریکا در سرنگونی دولت مصدق.....
۱۰۰	سیاست آیزنهاور پس از سرنگونی دولت مصدق.....
۱۰۲	۳-۶-۴ سیاست اتحاد جماهیر شوروی در ایران دوره محمدرضا شاه.....
۱۰۴	آمریکا و مدرنیزاسیون و توسعه سیاسی در ایران.....
۱۰۵	۳-۷-۷ نوسازی اقتصادی.....
۱۰۶	۳-۷-۱ شکل‌گیری سازمان برنامه.....
۱۰۷	سیاست محمدرضا شاه درقبال سازمان برنامه.....
۱۰۸	برنامه سوم عمرانی.....
۱۱۰	۳-۷-۲ برنامه اصلاحات ارضی.....
۱۱۰	۳-۷-۳ برنامه عمرانی چهارم (۱۳۵۱- ۱۳۴۷ / ۱۹۷۲- ۱۹۶.....
۱۱۲	برنامه پنجم عمرانی.....
۱۱۳	ارزیابی برنامه پنجم.....
۱۱۳	ارزیابی نهایی برنامه‌های نوسازی اقتصادی در ایران.....
۱۱۴	جمع‌بندی.....

فصل چهارم - روند نهادینه شدن احزاب سیاسی در مالزی ۱۱۵

۱۱۵	مقدمه.....
۱۱۷	۴-۱ اقوام مهاجر در شبه جزیره ملایا.....
۱۱۷	۴-۱-۱ حضور چینی‌ها در شبه جزیره مالایا.....
۱۱۸	جوامع مخفی و سیاست‌های چینی.....

- ۱۲۰.....موقعیت اقتصادی چینی‌ها.....
- ۱۲۰.....۲-۱-۴ تاریخچه حضور هندی‌ها در مالایا.....
- ۱۲۰.....نهادهای سیاسی هندی تباران در مالایا.....
- ۱۲۱.....۲-۴ تحزب در شبه جزیره مالایا.....
- ۱۲۳.....۳-۴ روند شکل‌گیری و کارکرد احزاب.....
- ۱۲۳.....۱-۳-۴ سازمان ملی مالایی‌های متحد.....
- ۱۲۴.....۱-۳-۴ مسیر حزب آمنو برای کسب قدرت.....
- ۱۲۵.....۲-۱-۳-۴ تغییرات در ساختار عضویت و رهبری حزب آمنو.....
- ۱۲۶.....۳-۱-۳-۴ حمایت‌گرایی در حزب آمنو.....
- ۱۲۸.....۵-۱-۳-۴ از اتحاد به جبهه ملی.....
- ۱۲۹.....۲-۳-۴ انجمن چینی تباران مالایا.....
- ۱۳۱.....۳-۳-۴ کنگره هندی‌های مالایا.....
- ۱۳۳.....۴-۳-۴ حزب اسلامی پان مالایا.....
- ۱۳۵.....۴-۴ انتخابات پارلمانی.....
- ۱۳۵.....۱-۴-۴ انتخابات عمومی ۱۳۳۳/۱۹۵۵.....
- ۱۳۸.....۲-۴-۴ انتخابات سراسری ۱۳۳۸/۱۹۵۹.....
- ۱۳۹.....۵-۴ عوامل تاثیرگذار در نهادینه شدن احزاب سیاسی در مالزی.....
- ۱۳۹.....۱-۵-۴ سیاست و حکومت.....
- ۱۳۹.....۱-۱-۵-۴ ساخت قدرت.....
- ۱۴۰.....۲-۱-۵-۴ عناصر توازن بخش در پادشاهی‌های مالایا.....
- ۱۴۱.....۳-۱-۵-۴ جایگاه سلاطین در شبه جزیره مالایا.....
- ۱۴۴.....۲-۵-۴ ساخت قدرت سیاسی در دوره جدید (بعد از جنگ جهانی دوم).....
- ۱۴۴.....اختیارات پادشاه در قانون اساسی.....
- ۱۴۵.....نظام پارلمانی.....
- ۱۴۶.....اختیارات نخست وزیر.....
- ۱۴۶.....کمیسیون انتخابات.....
- ۱۴۶.....۳-۵-۴ ساز و کار تصمیم‌گیری.....
- ۱۴۷.....۶-۴ دین و فرهنگ سیاسی در شبه جزیره مالایا.....
- ۱۴۸.....۱-۶-۴ سابقه حضور اسلام در شبه جزیره مالایا.....
- ۱۵۰.....۲-۶-۴ نقش اسلام در شبه جزیره مالایا پس از پایان جنگ جهانی دوم.....
- ۱۵۲.....۳-۶-۴ مذاهب سایر اقلیت‌ها در مالزی.....
- ۱۵۳.....۷-۴ فرهنگ سیاسی در شبه جزیره مالایا.....
- ۱۵۳.....۱-۷-۴ فرهنگ سیاسی مالایی‌ها.....
- ۱۵۴.....۲-۷-۴ فرهنگ سیاسی چینی تباران.....
- ۱۵۶.....۳-۷-۴ فرهنگ سیاسی هندی تباران.....

۱۵۷	۴-۷-۴ برخی مشترکات فرهنگی - سیاسی اقوام در مالزی
۱۵۷	۴-۸ قدرت‌های خارجی در شبه جزیره مالایا
۱۵۸	۴-۸-۱ حضور بریتانیا
۱۵۹	۴-۸-۱-۱ سازمان‌دهی و تقویت نیروی انسانی
۱۶۰	۴-۸-۱-۲ سیاست‌های آموزشی بریتانیا
۱۶۱	۴-۸-۱-۳ تغییر ترکیب جمعیتی و قدرت سیاسی
۱۶۳	۴-۸-۱-۴ گزارش کمیسیون رید و قانون اساسی فدراسیون مالایا
۱۶۴	۴-۸-۲ دوره اشغال ژاپن
۱۶۹	۴-۹ نوسازی اقتصادی
۱۷۱	۴-۹-۱ نتایج برنامه‌های نوسازی اقتصادی مالزی
۱۷۳	جمع‌بندی

فصل پنجم - تحلیل تطبیقی روند نهادینه شدن احزاب سیاسی در ایران و مالزی

۱۷۵	مقدمه
۱۷۷	ساخت قدرت
۱۷۸	ساز و کار تصمیم‌گیری
۱۷۹	دین
۱۷۹	ورود اسلام به ایران و مالزی
۱۸۰	بسترهای فرهنگی - مذهبی پیش از اسلام در ایران و مالزی
۱۸۱	نقش اسلام در ایران و مالزی
۱۸۲	فرهنگ سیاسی
۱۸۴	قدرت‌های خارجی
۱۸۴	جایگاه جغرافیایی و منافع اقتصادی قدرت‌های خارجی در ایران و مالزی
۱۸۵	سیاست‌های استعماری در ایران و مالزی
۱۸۸	برنامه نوسازی اقتصادی
۱۸۹	تحزب در ایران و مالزی
۱۸۹	خاستگاه تحزب
۱۹۰	فرآیند تاریخی تحزب
۱۹۹	نتیجه‌گیری

فهرست منابع

۲۰۳

فهرست جداول

۱۷۲.....	جدول شماره ۱.....
۱۷۲.....	جدول شماره ۲.....
۱۹۴.....	جدول شماره ۳.....
۱۹۸.....	جدول شماره ۴.....

پیشگفتار

بررسی موضوع تطبیقی - تاریخی مسئله نهادینه شدن احزاب سیاسی در ایران و مالزی بر اساس دغدغه مهم و تاریخی نخبگان ایرانی که عدم نهادینه شدن احزاب سیاسی و شکل نگرقتن تحزب را مسئله اصلی خود می‌دانند، انجام پذیرفت. نبود احزاب متشکل در ایران پس از گذشت بیش از یک قرن از آغاز روند ساخت نهادهای سیاسی، اندیشه یافتن راه حل برای این معضل سیاسی - تاریخی ذهن نگارنده را مدت‌ها به خود مشغول کرده بود، به‌ویژه پس از تجربیات زیسته‌ای که در کشورهای ترکیه و اسپانیا داشته‌ام و از نزدیک تحولات مربوط به سیاست داخلی این کشورها را پیگیری و مورد مذاقه قرار دادم، مطالعه تطبیقی را بستری مناسب برای توضیح این مسئله و ارائه راه‌حلی که مفید فایده بودن آن اثبات شده، یافتم؛ بنابراین تلاش شد با اغتنام از فرصت دیگری که در طول مأموریت کاری به مدت سه سال (۱۳۹۶-۱۳۹۹) برایم فراهم شد از نزدیک تحولات سیاست داخلی کشور مالزی را مورد پیگیری قرار دهم.

از آنجایی که مسئله نهادینه نشدن احزاب سیاسی در ایران یک مسئله تاریخی بوده و راه حل آن نیز می‌باید از مسیر بررسی در تاریخ معاصر جستجو گردد، بنابراین در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تطبیقی - تاریخی تلاش شد تا ضمن رسیدن به یک راه حل علمی امکان روشن شدن ابعاد مسئله و راه حل مربوط فراهم شود. از این رو کشور مالزی که در کنار تفاوت‌ها مشابهت‌های بسیاری با ایران دارد، به عنوان واحد تحقیق مقابل برگزیده شد. روشی که در این تحقیق پی گرفته می‌شود واجد سه ویژگی: تحلیل علی، تأکید بر فرآیندهای زمانی و استفاده از مقایسه سیستماتیک بافتمند یا مبتنی بر زمینه است.

حاصل مطالعاتی که در اسناد و آثار مکتوب و همچنین تاریخ شفاهی مالزی و ایران انجام شد تألیف رساله دکتری است که در اسفندماه ۱۴۰۰ به پایان رسید. در رساله پیش رو ضمن تشریح مسئله، روش و اهداف پژوهش در فصل کلیات، مباحث معرفتی و نظری در فصل دوم تشریح می‌گردد و در ادامه با اتکا به نظریه نهادمندی ساموئل هانتینگتون سپس داگلاس نورث و برتراند بدیع ساخت نهادهای سیاسی پایدار، جاافتاده، پیچیده، مستقل و منسجم به عنوان ضرورت توسعه سیاسی و ثبات و کاهش خشونت در جامعه بررسی می‌شود. در فصل سوم فرآیند نهادینه شدن احزاب در ایران ازجمله: روند تاریخی تحزب و کارکرد احزاب و در نهایت تأثیر عواملی چون: سیاست و حکومت، دین و فرهنگ سیاسی و قدرت‌های خارجی در فرایند نهادینه سازی احزاب سیاسی در ایران مورد پژوهش قرار می‌گیرد. در فصل چهارم نیز بررسی فرآیند تاریخی تحزب و کارکرد و تأثیرگذاری عوامل فوق‌الذکر در بافت اجتماعی کشور مالزی انجام می‌پذیرد. تحلیل تطبیقی روند نهادینه شدن احزاب سیاسی در ایران و مالزی آخرین فصل این پژوهش را به خود اختصاص می‌دهد. در این فصل تأثیرات چهار عامل: ساخت قدرت و نحوه تصمیم‌گیری، دین و فرهنگ سیاسی، دخالت قدرت‌های خارجی و برنامه‌های نوسازی اقتصادی در روند نهادینه شدن احزاب سیاسی در ایران و مالزی مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد و در نتیجه معلوم می‌گردد در ایران عواملی چون: ساختار پاتریمونیالیستی و عمودی قدرت، تصمیم‌گیری‌های شخصی پادشاهان، نقش حصارهای دینی و قدرتمند بودن طبقه روحانیت و فرهنگ عشایری و خودکامگی حاکمان بعلاوه منافع اقتصادی قدرت‌های خارجی (روسیه، انگلیس و آمریکا) و

تأثیرات برنامه‌های نوسازی اقتصادی به تضعیف زمینه‌های توسعه سیاسی منجر شده و علی‌رغم تلاش‌های مقطعی از سوی برخی نخبگان به سرانجام نرسیده است که امروزه هم کماکان مسئله اصلی توسعه همه‌جانبه ایران است. این در حالی است که در مالزی ماهیت سیاست و حکومت و تعدیل شدن قدرت پادشاهان و سلاطین به‌واسطه سردسته‌ها و رؤسای جوامع محلی و ساختار فئودالی، ضعف حصارهای دینی و صلح‌آمیز بودن اسلام مالایی و عمودی نبودن رابطه حکام و رعایا، تأثیرگذاری استعمار بریتانیا و ژاپن بر ساخت سیاسی شبه‌جزیره مالایا و توفیقات نسبی برنامه‌های نوسازی اقتصادی در ترغیب اقوام مختلف به پیگیری روند دموکراتیک و نهادینه شدن احزاب سیاسی مؤثر می‌باشند.

در راستای توضیح مقایسه‌ای فرآیند تحزب در ایران و مالزی به‌عنوان مصداقی از تأثیرگذاری عوامل فوق‌الشاره به خاستگاه احزاب که مبتنی بر شکاف‌های نهفته در جوامع مزبور بوده پرداخته می‌شود. در ایران گفتمان‌های برآمده از ورود مدرنیته و واکنش به آن که شامل اندیشه‌های سوسیال‌دموکراسی، لیبرال دموکراسی و دینی- سنتی می‌شوند بستر احزاب سیاسی محسوب شده و در مالزی با ورود مهاجرین چینی و هندی به همراه مالایی‌ها و دیگر ساکنین بومی شبه‌جزیره احزاب خاستگاه قومی پیدا می‌کند و سیاست‌ها بر مبنای تفاوت‌های قومی و با هدف مدیریت اقوام اتخاذ می‌گردند.

درحالی که فرایند تاریخی تحزب در ایران از تداوم و پیوستگی برخوردار نبوده و افت‌وخیزهای بسیاری را پشت سر گذاشته، اما در مالزی فرآیندی پیوسته و مداوم داشته و هرچه روند تحزب جلوتر می‌رود سطح نهادمندی احزاب ارتقاء می‌یابد. با مقایسه موضوع تطبیق‌پذیری احزاب در دو کشور معلوم می‌گردد که احزاب سیاسی در ایران فاقد تداوم عمر کارکردی بوده و نتوانسته در مقابل دگرگونی‌ها مقاومت کرده و ضمن محافظت از خود در مراحل مختلف بازتولید شوند. درواقع نه احزاب اولیه مانند اجتماع‌یون عامیون و اجتماع‌یون اعتدالیون توانستند مدت‌زمان طولانی دوام بیاورند و نه احزابی که در دوره‌های بعدی شکل گرفتند موفق به تداوم شدند، بلکه در مقابل تحولات پیش رو از هم پاشیدند و بسیاری از آن‌ها عملاً رهبران نسل دومی را کمتر شاهد بودند، اما در مالزی احزاب از وضعیت متفاوتی برخوردار بوده و آن‌هایی که قبل از استقلال این کشور شکل گرفته بودند هنوز هم در مدیریت جامعه نقش تأثیرگذاری دارند و حتی نام آن‌ها تغییر نیافته است. احزاب: انجمن مالایی‌های متحد (آمنو)، انجمن چینی‌تباران مالایا، کنگره هندی تباران مالایا و حزب اسلامی «پاس» از ابتدای تشکیل تاکنون در جامعه مالزی نقش‌آفرینی داشته و امروز هم بدون حضور و تعامل میان آن‌ها هیچ دولتی توان اداره این کشور را ندارد.

ثبات سازی، قانونمندی، مشروعیت و ریشه‌دار بودن احزاب در ایران و مالزی متفاوت بوده است. در تاریخ معاصر ایران احزاب نتوانستند نقش ثبات سازی در حوزه سیاست داخلی داشته باشند، بلکه خود در مقاطع مختلف عامل تشنج و بی‌ثباتی بودند و قوانینی که اگر برای فعالیت‌های حزبی تدوین و تصویب می‌شد از طرف رهبران احزاب رعایت نمی‌شد، درواقع نه نخبگان حزبی و نه حکام به قوانین واقعی نمی‌نهادند. در ایران اعتقاد به تحزب اندک بوده و علاوه بر دولتمردان پهلوی بسیاری از نخبگان تأثیرگذار نیز برای احزاب مشروعیت قائل نبودند. بعلاوه اینکه در ایران احزاب فاقد ریشه‌های قدرتمند بوده و همین

مسئله موجب بی‌ثباتی در فضای فعالیت‌های حزبی شد و خلق‌الساعه بودن احزاب عملاً پیش‌بینی نتایج انتخابات غیرممکن می‌ساخت.

در مالزی فضای فعالیت‌های حزبی شاهد ثبات نسبی بوده و حتی خود احزاب موجب ثبات و پایداری امنیت در جامعه سیاسی بودند. درواقع نخبگان مالایی و اقلیت‌های چینی و هندی انتخابی به‌جز نظام تحزب و تشکیل احزاب بر مبنای مطالبات قومی نداشتند، لذا برای همه آن‌ها رعایت قوانین حزبی یک ضرورت محسوب می‌شد و در موارد متعددی به مواد قانونی تحزب استناد می‌کردند. مشخص‌ترین ریشه‌های احزاب در مالزی را در درجه اول قومیت – ملیت سپس ایدئولوژی‌های دینی و دموکراسی خواهی و آزادی‌طلبی تشکیل می‌دهند. این ویژگی‌ها قدرتمند بودن ریشه‌های تحزب ثبات و پایداری سیاسی را به‌طور نسبی در مالزی به همراه داشته است. در این کشور با استقرار نظام تحزب سایر اقوام توانستند ضمن نقش‌آفرینی در اداره کشور مطالبات خود را از طریق احزابی که به‌طور مشخص از قوم خاص آن‌ها نمایندگی می‌نماید، ابراز نمایند؛ بنابراین اساس کار نخبگان این کشور مشروعیت بخشیدن به تحزب و جایگزین ساختن آن با شورش‌های داخلی و عدم توسعه متوازن بوده است.

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱ بیان مسئله

بحث توسعه سیاسی ازجمله مباحثی است که در چند دهه اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده و در کانون علایق فکری اندیشمندان علوم اجتماعی و علوم سیاسی قرار گرفته است. این موضوع به‌ویژه برای نخبگان فکری کشورهای جهان سوم از اهمیت دوچندانی برخوردار است. چراکه در این‌گونه کشورها فرآیند توسعه و توسعه‌نیافتگی چالش اصلی جامعه محسوب می‌گردد و همه وقایع و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را خواه‌ناخواه تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر «جوامعی که در ایجاد نهادهای سیاسی نوین و وسیع موفق بوده‌اند، توانسته‌اند مشارکت سیاسی گسترده‌تری را جذب کنند و از وضعیت استواری برخوردار گردند. به عبارت دیگر جوامعی که توانسته‌اند بین توسعه (مشارکت) سیاسی و نهادمندی در سطحی بالا تعادل ایجاد کنند، استواری خود را تضمین کرده و از نظر سیاسی، نوین و توسعه‌یافته تلقی می‌گردند. این‌گونه جوامع دارای نهادهایی هستند که استعداد جذب نیروهای اجتماعی تازه را به درون نظام دارند. به همین دلیل می‌توانند خود را با روند مشارکت سیاسی ناشی از توسعه (نوسازی) تطبیق دهند؛ بنابراین عمده‌ترین ابزار نهادی برای سازمان دادن به گسترش مشارکت سیاسی احزاب سیاسی هستند. دراهمیت نهادینه شدن احزاب می‌توان به این بسنده کرد که کشورهایی که در مرحله مشارکت سیاسی نسبتاً پایین قرار دارند، چنانچه احزاب سیاسی متشکلی را پرورانده باشند، در مقایسه با جوامعی که احزاب آن‌ها در مراحل اخیرتر و طی فراگرد نوسازی سازمان گرفته باشند، از گسترش مشارکت سیاسی استوارتری برخوردارند.» (هانتینگتون، ۱۹۷۰: ۷-۵۷۶)

کشورهای ایران و مالزی ازجمله جوامع سیاسی محسوب می‌گردند که واجد اشتراکات قابل‌توجهی می‌باشند. هردو کشور در دوره تاریخی حدود دو قرن منتهی به دوره اکنون خود تلاش قدرت‌های استعماری برای تسلط و کسب منافع سیاسی و اقتصادی را تجربه کرده‌اند. هرچند شرایط خاص این جوامع باعث شده سطوح متفاوتی از

سیاست‌های استعماری را به خود ببینند. در مالزی نظام استعماری کاملی حکم‌فرما بوده و در ایران نظام شبه استعماری برقرار بود. از طرف دیگر دین اسلام در شکل‌دهی صحنه سیاسی هردو جامعه تأثیرات جدی و ماندگار به‌جای گذاشته است. هرچند در مالزی رواج دین اسلام با تأخیر همراه بوده و بستر رشد و نمو گفتمان اسلامی متفاوت‌تری نسبت به ایران را تجربه کرده است. شباهت سومی که می‌توان برای ایران و مالزی برشمرد، اهمیت جغرافیایی و استراتژیکی دو جامعه است و هر دو کشور برای قدرت‌های خارجی به لحاظ اقتصادی و سیاسی مهم بوده‌اند.

هرچند سابقه دموکراسی خواهی در ایران به دوره پیش از مشروطه بازمی‌گردد، اما تشکیل احزاب سیاسی در مجلس دوم به وقوع پیوست. این روند تا مجلس پنجم با فراز و نشیب‌هایی همراه بود که با روی کار آمدن رضاشاه نظام حزبی نوپا به ضعف و رکود کشیده شد. با سقوط رضاشاه در شهریور سال ۱۳۲۰/سپتامبر ۱۹۴۱ م، نیروهای سیاسی و اجتماعی رها شده و ایران شاهد ظهور بیشترین احزاب و گروه‌های سیاسی بود. احزاب سیاسی این دوره در مقایسه با قبل شباهت بیشتری به معیارهای نظام حزبی جدید پیدا کردند؛ اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲/۱۹ اوت ۱۹۵۳ بار دیگر فعالیت‌های حزبی دچار رکود یا فروپاشی شد. محمدرضا شاه پهلوی از فردای کودتای مزبور ضمن مخالفت با تداوم فعالیت‌های احزاب و گروه‌های سیاسی، جهت خنثی‌سازی فعالیت احزاب مردمی دست به تشکیل احزاب دولتی و فرمایشی زد. می‌توان گفت، مشخص‌ترین ویژگی سیاسی محمدرضا شاه پهلوی ایجاد دموکراسی صوری از طریق تحمیل سلطه و احاطه بر احزاب و گروه‌های سیاسی دولتی بود.

باینکه ایران بعد از جنگ جهانی دوم مانند بسیاری از کشورهای جهان سوم تحت تأثیر موج دوم دموکراسی خواهی قرار گرفت و نخبگان سیاسی مساعی بسیاری برای تقویت روند دموکراسی خواهی و بازبانی احزاب سیاسی پس از پایان جنگ مصروف نمودند؛ اما وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ / ۱۹ اوت ۱۹۵۳ باعث شد این تلاش‌ها بدون نتیجه ملموس پایان یابد. این وضعیت تا اواخر دهه ۱۳۵۰ (۱۹۷۹-۱۹۷۱) ادامه پیدا کرد. نتیجه‌ای که از نوسانات دموکراسی خواهی در ایران حاصل شد چیزی جز یک جامعه فاقد نهادهای سیاسی به‌ویژه احزاب سیاسی به‌عنوان رکن دموکراسی خواهی نبود. عدم نهادینه شدن احزاب تبعات جبران‌ناپذیری برای ایران به همراه داشت و موجب به هم ریختن برنامه‌های توسعه هرچند ناقص دوره محمدرضا شاه پهلوی و یک نوع انقطاع تاریخی شد. درحالی‌که پس از جنگ جهانی دوم در ایران ظرفیت‌های تاریخی مهم و تا حدی منحصربه‌فرد برای تمرین دموکراسی و توسعه سیاسی به وجود آمده بود. نهضت ملی شدن نفت که با هدف مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی شکل گرفت حرکتی بود که رهبری آن استقرار نظام دموکراتیک در ایران را پیگیری می‌کرد. وقوع جنبش ملی شدن صنعت نفت و ظهور احزاب متعدد نشان می‌دهد که در سپهر سیاسی ایران دموکراسی خواهی به انگیزه‌ای پایدار در ورای سیاست‌های غیر دموکراتیک نظام محمدرضا شاه پهلوی تبدیل شده بود. روند جریان دموکراسی خواهی و مقاومت در برابر استبداد سرانجام خود را در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷/۱۹۷۹ نشان داد. هرچند انگیزه‌های اسلام‌خواهی باعث شکل‌گیری حکومتی دینی در ایران شد.

در مالزی شرایط متفاوتی حاکم بود. این کشور جوان که حیات خود را بعد از جنگ جهانی دوم آغاز کرد، (به‌رغم شباهت‌های بسیار با ایران) از سطوح متفاوتی از ظرفیت‌های تاریخی برخوردار بود. مالزی به جهت فقدان سنت منسجم و بافت مند تاریخی نتوانست مواجهه‌ای تمام‌عیار با مدرنیته داشته باشد، لذا تجربه‌های کلان ایران در تاریخ معاصر را به خود ندید؛ اما در عوض پدیده استعمار انگلیس ظرفیتی را برای نهادمندی سیاسی در این کشور به میراث گذاشت، تجربه‌ای که با توجه به شرایط تاریخی - جغرافیایی در ایران به وجود نیامد. این تجربه برای مالزی

زمینه‌ساز توسعه سیاسی و اقتصادی در دهه‌های بعدی شد و در مقایسه با ایران با موانع کمتری در مسیر توسعه نهادهای سیاسی روبرو شد.

در کشور مالزی حتی در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم سابقه شکل‌گیری تشکلهای صنفی سپس سیاسی وجود داشته است اما تشکیل احزاب به‌ویژه به یک سال اول پس از جنگ و حدود ۱۲ سال پیش از کسب استقلال برمی‌گردد. «به‌طوری‌که در سال‌های اولیه استقلال و در دهه ۱۹۶۰ (۱۳۳۹-۱۳۴۹) استواری سیاسی مالزی که رهبران سنتی‌اش گروه‌های قومی کشور را در یک چهارچوب حزبی واحد یکپارچه ساخته بودند، از استواری سیاسی کشوری مانند تایلند بیشتر شده بود؛ زیرا جامعه سیاسی تایلند به علت فقدان احزاب در فرآیند نهادسازی از جذب گروه‌های تازه ناکام ماند.» (هانتینگتون، ۱۹۷۰: ۵۷۶)

گروه‌های قومی و مذهبی از جمله مالایی‌ها، بومیان ایالات شرقی جزیره برنئو (صباح و ساراواک)، چینی و هندی تباران از روزهای آغازین استقلال بر اساس هویت‌های قومی و مذهبی خود احزاب سیاسی جدیدی را جهت فعالیت و اهداف سیاسی خود پایه‌گذاری نمودند.

از این‌رو کشور مالزی را می‌توان نمونه‌ای از جوامعی دانست که نهادهای مربوطه را قبل از روند توسعه به‌طور نسبی سامان داده و امروزه به لحاظ ساختاری و کارکرد به حدی از بلوغ رسیده که می‌تواند پاسخ‌گوی روند روبه رشد مشارکت سیاسی باشد. روند آرام و بدون تنش تغییر و جابجایی قدرت از قدیمی‌ترین و مسلط‌ترین حزب و ائتلاف مربوطه آن به ائتلافی از احزاب مخالف که در مراحل اخیرتر ساخته شده بودند، نشان‌دهنده نقش کارکردی نهادهای سیاسی به‌ویژه احزاب در این کشور است. «طی گزارش «شاخص ۲۰۱۹ / ۱۳۹۸ دموکراسی در جهان» رتبه دموکراسی در مالزی به ۴۳ از میان ۱۶۷ کشور رسید. این در حالی بود که در سال ۲۰۱۸ / ۱۳۹۷ سالی که جابجایی قدرت مزبور صورت گرفت در رتبه ۵۲ قرار داشت. به نظر می‌رسد با ادامه روند رو به رشد توسعه سیاسی در مالزی، این کشور فاصله کمی تا کسب نمره کامل دموکراسی دارد. طبق گزارش اخیر مالزی موفق شد نمره ۷/۱۶ از ۱۰ در کسب امتیاز دموکراسی را به خود اختصاص دهد. همچنین در این رتبه‌بندی مالزی به خاطر سلامت در روند انتخابات و تکررگرایی، کارکرد دولت، مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی امتیازات خوبی به دست آورده است. بر اساس گزارش مزبور برخلاف مالزی، ایران وضعیت مناسبی ندارد و در رده ۱۵۱ از میان ۱۶۷ کشور قرار گرفته است.» (The Economist Intelligence Unit's Democracy Index, 2020)

آنچه از تفاوت‌های ایران و مالزی در روند توسعه سیاسی و نهادینه شدن احزاب سیاسی بیان شد بیشتر به روشن شدن مسئله امروز ایران یعنی توسعه‌نیافتگی و فقدان نهادسازی‌های سیاسی کمک می‌نماید. امروزه یکی از مسائل اصلی ایران در امر توسعه سیاسی نهادینه نشدن احزاب سیاسی است که باوجود تلاش‌های نخبگان همچنان در این حوزه با بحران روبرو هستیم. در حول محور مسئله این پژوهش می‌توان یک پرسش اصلی و چندین پرسش فرعی را مطرح نمود و کار ویژه پژوهش حاضر نیز پاسخ به همین سؤالات است.

پرسش اصلی: چرا نهادینه شدن احزاب سیاسی در ایران ناکامی و در مالزی موفقیت نسبی به همراه داشته و دو کشور روندهای متفاوتی را طی کرده‌اند؟

پرسش‌های فرعی:

- چرا باوجود برنامه‌های توسعه‌ای در دوره محمدرضا شاه پهلوی، با ظهور نیروهای اجتماعی - سیاسی

جدید نظام سیاسی سقوط کرد؟

- چرا تحولات و تغییرات سیاسی در مالزی منجر به فروپاشی نظام حاکم نمی‌گردد؟

- چه عوامل و موانعی در نهادینه شدن احزاب سیاسی در ایران دوره محمدرضا شاه تأثیرگذار بوده است؟
- چه عواملی بر موفقیت نسبی مالزی در نهادسازی سیاسی تأثیر داشته است؟

۲-۱ اهداف، اهمیت و ضرورت پژوهش

■ اهداف

طرح چرایی نهادینه نشدن احزاب سیاسی در ایران و موفقیت مالزی در این زمینه، هسته مرکزی مسئله نهادینه نشدن احزاب سیاسی در جامعه ایران را تشکیل می‌دهد. بررسی تطبیقی روند نهادینه شدن احزاب سیاسی در ایران و مالزی می‌تواند ضمن شناساندن و برجسته ساختن مسئله اصلی کشورمان یعنی عدم توسعه احزاب سیاسی راه‌حلی نیز در امر نهادسازی‌های سیاسی ارائه دهد؛ بنابراین هدف اصلی پژوهش یافتن راه‌حلی متناسب با شرایط در جهت توسعه سیاسی و رشد احزاب است. علاوه بر این شناخت صحیح مسئله و پیشنهاد مسیری نسبتاً موفق به نخبگان سیاسی کشورمان از اهداف فرعی تحقیق مزبور محسوب می‌گردد.

■ اهمیت

اهمیت پژوهش حاضر اینجا آشکار می‌شود که بتوانیم ضمن بازبینی روند نهادینه شدن احزاب به راه‌های رفته جوامعی که بعد از ما روند توسعه را شروع کرده‌اند و اکنون به اهداف خود نزدیک شده‌اند بیندیشیم. در این ارتباط معرفی یک الگوی موفق آن‌هم از جامعه‌ای که مشابهت‌های بسیاری به لحاظ فرهنگی و مواجهه با استعمار و برخی مسائل امنیتی با ایران دارد می‌تواند به نخبگان ما در رسیدن به یک اجماع در امر پیشرفت و توسعه سیاسی کمک نماید. از این رو معرفی الگوی مالزی آن‌هم در چارچوب یک مطالعه تطبیقی - تاریخی مسیر نخبگان کشورمان را در نیل به توسعه و نهادمندی احزاب سیاسی هموار خواهد کرد. به‌ویژه که تحقیق حاضر درصدد است روند نهادینه شدن احزاب در دوره محمدرضا شاه پهلوی با دوره مشابه آن در مالزی که هر دو بعد از پایان جنگ جهانی دوم شروع می‌شوند را مورد مقایسه قرار دهد. دوره‌ای که یکی از اصلی‌ترین گره‌ها در مسیر توسعه ایران معاصر به وجود آمد و مسئله توسعه‌نیافتگی ایران کنونی را پیچیده‌تر کرد.

اهمیت دیگر پژوهش حاضر این است که اطلاعات مستندی در خصوص برنامه‌های تحزب در مالزی، از جمله نظریه‌های کارشناسان و دانشمندان حوزه توسعه سیاسی و آثار مکتوب آن کشور، در دسترس محققین کشورمان قرار می‌دهد.

■ ضرورت

گذشته از موارد فوق آنچه انجام این تحقیق را ضروری ساخته، آن است که برای اولین بار فرآیند بخشی از توسعه سیاسی مالزی یعنی نهادینه شدن احزاب را در یک بررسی تطبیقی - تاریخی به محققان ایرانی ارائه می‌نماید و به امر نهادینه شدن احزاب به منزله نقطه کانونی توسعه سیاسی توجه می‌شود. رویکرد نخبگان مالزی در ارتباط با تنظیم جایگاه توسعه سیاسی در کنار مضامین مختلف توسعه برای ما اهمیت دارد والگوی موفق از فرآیند توسعه را در فرایند نخبگان ما قرار می‌دهد.

۳-۱ پیشینه پژوهش

هرچند مشکل است آثاری را یافت که در آن‌ها به شکل دقیقی به تطبیق روند نهادینه شدن احزاب سیاسی در ایران و مالزی پرداخته باشد، اما نمی‌توان کتب و مقالاتی که به‌نوعی به امر نهادینه شدن احزاب و توسعه سیاسی توجه کرده‌اند را در گزارش پیشینه پژوهش حاضر ذکر نکرد.

کتاب «نهادینه شدن سیاسی آسیا»^۱ یکی از آثار معتبر تحقیقی است که توسط محققین دانشگاه کالیفرنیا به نام‌های: رابرت اسکالاپینو، سیزا بورو ساتو و ژوزف واناندی گردآوری شده و در سال ۱۹۸۶/ ۱۳۶۵ در آمریکا به چاپ رسیده است. این کتاب ۳۲۰ صفحه‌ای به نهادسازی سیاسی کشورهای آسیایی پرداخته است. هرچند اطلاعات جامعی از روند توسعه سیاسی کشورهای مختلف آسیایی را گرد آورده اما فاقد ریزبینی و همه‌جانبه نگری در امر نهادسازی سیاسی در هر کدام از کشورهای مربوطه است. نویسندگان تلاش کرده‌اند به مقایسه و آشکار ساختن تمایزها در ساختارهای سیاسی بپردازند. حدود ۲۰ صفحه این کتاب به مقاله‌ای تحت عنوان «تکامل و توسعه نظام سیاسی در مالزی» اختصاص دارد. نویسنده مقاله نتیجه می‌گیرد که توسعه نظام سیاسی و ثبات سیاسی این کشور با محوریت نخبگان و پذیرش نظام سیاسی بر مبنای ساختار وست مینستر (بریتانیا) تداوم یافته و ملاحظات قومی و نژادی تأثیر جدی در این فرایند داشته است.

کتاب، «مالزی: ساخت یک ملت» (از سری کتاب‌های تاریخ ملت‌سازی)^۲ به نوشته آقای چین بون خنگ، عملکرد سیاسی چهار نخست‌وزیر مالزی (از زمان استقلال به بعد) را مورد بررسی قرار می‌دهد. نخست‌وزیرانی که ضمن در دست داشتن رهبری «سازمان ملی مالایی‌های متحد» (حزب آمنو) ریاست قوه اجرایی مالزی را نیز بر عهده داشته‌اند. تأکید اصلی این کتاب بر روند ملت - دولت سازی بعد از جنگ جهانی دوم در مالزی است.

کتاب «سیاست‌های مالزی»^۳ به نوشته آقای گوردن پی. مینز به لحاظ زمانی به حوادث سال‌های اولیه تحولات سیاسی شبه‌جزیره مالایا نزدیک بوده و بسیاری از مستندات از جنبه تاریخی دست‌اول می‌باشند. نویسنده تلاش نموده با استفاده از مدارک در دسترس در پایان دهه ۱۹۶۰ در شبه‌جزیره مالایا ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی تحولات سیاسی و شکل‌گیری نهادها به‌ویژه احزاب سیاسی را بررسی نماید.

کتاب «توسعه سیاسی در مالزی»^۴ نوشته آقای خرم زیدی؛ نویسنده این اثر معتقد است، نظام سیاسی مالزی بیشتر نگران نظم و ثبات است تا آزادی و حقوق شهروندان. این کتاب در پی توضیح ارتباط بین حقوق اساسی، عدالت اجتماعی، جامعه مدنی، سیاست اقتصادی، نظام حزبی، آشتی همگانی، روش‌های رهبری اقتدارگرایانه از یک‌سو و روندهای دموکراتیک توسعه سیاسی مالزی از طرف دیگر است.

کتاب «دربار، حزب سیاسی و قدرت: داستان توسعه اجتماعی - سیاسی پادشاهی مالایی»^۵ به نوشته کوبکوا سوانانات - پیان از ابتدای ورود استعمار بریتانیا به شبه‌جزیره مالایا تا دهه‌های ابتدایی بعد از جنگ جهانی دوم روابط بین پادشاهی و سلاطین ایالت‌ها با استعمار و سپس مناسبات با حزب آمنو را مورد بررسی قرار داده است. به‌طور کلی با محور قرار دادن نهاد پادشاهی در مالزی نسبت آن را با بریتانیا، ژاپن (در دوره اشغال ۱۹۴۱-۱۹۴۵/ ۱۳۲۰-۱۳۲۴) و حزب آمنو توضیح داده است.

1. Asian Political Institutionalization, Edited by: Robert A. Scalapino, Seizaburo Sato & Jusuf Wanandi.

2. Malaysia: the Making of a Nation (History of nation-building series), Cheah Boon Kheng.

3. Malaysian Politics, Gordon P. Means, 1970, University of London Press Ltd.

4. Political Development in Malaysia

5. Palace, Political Party and Power: A Story of the Socio - Political Development of Malay Kingship, Kobkua Suwannathat- Pian, NUS PRESS SINGAPORE.

کتاب «دموکراسی در مالزی، گفتمان‌ها و سیاست‌ها»^۱ به نوشته فرانسویس لوه کوک واه و خوه بوه تیکهرچند بر گفتمان‌های مختلف سیاسی در میان مالایی‌ها تمرکز دارد و در این میان حزب آمو در نقطه مرکزی تحولات قرار دارد، اما به احزاب به‌عنوان نهاد سیاسی توجه نمی‌شود.

مقاله «چگونگی توسعه در مالزی نوین» (با رویکردی بر نظریه دولت توسعه‌گرای آدریان لفتویچ) نوشته حسین رفیع و میثم بلباسی، مقاله‌ای است که ضمن معرفی شاخص‌های توسعه مالزی دولت این کشور را در دوره ماهاتیر محمد در چارچوب نظری دولت توسعه‌گرا تحلیل کرده است. این مقاله بیشتر بعد توسعه اقتصادی را موردتوجه قرار داده است.

مقاله «تغییرات سیاسی و شکنندگی نهادی در مالزی: آیا راهی برای خروج وجود دارد؟»^۲ نوشته عبدالله نوح. نویسنده این مقاله ضمن بررسی روند نهادسازی و تغییرات سیاسی در مالزی تلاش دارد راه برون‌رفت از بن‌بست‌های نهادی در مالزی قبل از انتخابات ۲۰۱۸ / ۱۳۹۷ را توضیح دهد. نگارنده معتقد است مالزی در شرایطی قرار گرفته که نیازمند انجام اصلاحات در مسیر توسعه سیاسی به مفهوم تجدید ساختار نهادی‌های سیاسی جدید است.

علاوه بر کتاب‌ها و مقالاتی که صرفاً به تحولات سیاسی، شکل‌گیری احزاب سیاسی و فعالیت‌های حزبی در کشور مالزی پرداخته‌اند، برخی آثار دیگر نیز وجود دارند که از محتوای مقایسه‌ای برخوردارند و مطالعه تطبیقی بین مالزی و سایر کشورها را انجام داده‌اند. ازجمله این آثار می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

کتاب «تأثیر نوعی از حزب مسلط بر دموکراسی؛ مقایسه‌ای بین آفریقای جنوبی و مالزی»^۳ به‌طور مقایسه‌ای به کارکرد «سازمان ملی مالایی‌های متحد» (آمنو) و «کنگره ملی آفریقا»^۴ در عرصه سیاست داخلی به ترتیب در کشورهای مالزی و آفریقای جنوبی می‌پردازد. پرسش اصلی نویسنده این است که چگونه انواع مختلفی از احزاب مسلط در جوامع چند فرهنگی و شبه توسعه‌یافته بر دموکراسی تأثیرگذار بوده‌اند؟ ایشان نتیجه می‌گیرد بالاینکه حزب آمو در مدیریت همزیستی میان اقوام از طریق نهادسازی مانند تشکیل ائتلاف‌های «اتحاد» و «جبهه ملی» موفق بوده و توسعه اقتصادی را برای این کشور به ارمغان آورده است و در کشور آفریقای جنوبی حزب کنگره ملی آفریقا در ایجاد ثبات و توسعه موفق عمل کرده اما هر دو حزب در حوزه دموکراسی و توسعه ارزش‌های دموکراتیک چندان موفق عمل نکرده‌اند.

کتاب «دموکراسی و ظهور دولت پسا استعماری: اقتدارگرایی در اندونزی و مالزی»^۵ نوشته سید فرید العطاس پژوهشگر مالزیایی، نویسنده دو موضوع دموکراسی و اقتدارگرایی در کشورهای اندونزی و مالزی را مورد مقایسه قرار داده است. فرضیه اثبات‌شده در این کتاب رشد دموکراسی و کاهش اقتدارگرایی در مالزی است، درحالی‌که اندونزی علی‌رغم یکدست بودن قومیت و هویت ملی نتوانسته به امر توسعه سیاسی هم‌سطح مالزی دست یابد. نویسنده به موضوع نهادینه شدن سازمان سیاسی به‌طور مستقیم نپرداخته است.

علاوه بر کتاب‌هایی که احزاب و توسعه سیاسی در مالزی را در چارچوب مطالعه تطبیقی با برخی کشورها موردبررسی قرار داده‌اند که به اهم آن‌ها در سطور بالا اشاره شد، مقالات و پایان‌نامه‌هایی نیز به زبان فارسی نوشته شده است. مقاله‌ای در ایران تحت عنوان «مقدمه‌ای بر مطالعه تطبیقی توسعه ایران و مالزی» توسط آقای محسن امین‌زاده انتشار یافته و مفهوم مطالعات تطبیقی توسعه و مسئله توسعه در ایران و مالزی را به صورت مختصر توضیح داده است.

^۱. Democracy in Malaysia Discourses and Practices, 2002, CURZON.

^۲. Political Change and Institutional Rigidity in Malaysia: Is There a Way Out? Working Paper.

^۳. Malte Kaßner, The Influence of the Type of Dominant Party on Democracy; A Comparison Between South Africa and Malaysia. Bonn, Germany.

^۴. African National Congress(ANC).

^۵. Democracy and Authoritarianism in Indonesia and Malaysia, The Rise of the Post-Colonial State.

در این میان توجه به یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «تبیین تطبیقی توسعه سیاسی و اقتصادی ترکیه و مالزی براساس نظریه موج سوم دموکراسی» خالی از لطف نیست. این رساله توسط آقای علیرضا شبان از دانشگاه اصفهان گردآوری شده و نگارنده به عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر توسعه دو کشور مزبور در قالب نظریه موج سوم دموکراسی پرداخته است. در این نوشته اصلاحات داخلی در حوزه فرهنگی، تأثیر شخصیت‌های مهم بر توسعه در درون دستگاه دولت و نقش سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان عامل خارجی مؤثر بر توسعه، موردتوجه قرار گرفته است.

رساله دکتری «بررسی تطبیقی نسبت دین و نوسازی در ایران و مالزی» که با راهنمایی دکترحسن محدثی گیلوایی و توسط خانم نسیم نعمتی زاده نوشته شده به بررسی تطبیقی ارتباط دین و نوسازی در ایران و مالزی پرداخته است. در رساله مزبور که در قالب کتاب نیز، به چاپ رسید، ضمن بررسی پیشینه تاریخی ورود مدرنیته و نوسازی به کشورهای ایران و مالزی، نقش سازمان‌ها و نهادهای دینی در مقابل جریان نوسازی در سه دوره‌ی متفاوت؛ یعنی دوران استعمار، استقلال و ماهاتیر محمد در کشور مالزی و دوران قاجاریه، پهلوی و حکومت اسلامی در ایران پرداخته است. نویسنده نقش روشنفکران دینی در ایجاد نوسازی در دو کشور را مهم می‌داند و همچنین به این نکته اشاره می‌کند که در ایران، فقه تشیع بر روند نوسازی تأثیرگذار بوده است، درحالی‌که در مالزی به خاطر ترکیب مذهبی و جمعیتی‌اش و نیز حضور استعمارگران، فقه شافعی توانسته تعیین‌کننده باشد. بدین ترتیب، در تاریخ معاصر در ایران شاخص‌های شرعی و در مالزی شاخص‌های عرف تعیین‌کننده بوده‌اند.

کتاب «بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی» (تجربه دموکراسی در ایران، ترکیه و کره جنوبی) تألیف آقای محمد فاضلی هرچند تجربه دموکراسی در کشور مالزی را موردبررسی قرار نداده اما در چارچوب پژوهش تطبیقی تاریخی شاخص‌های تحکیم نشدن دموکراسی در هر سه کشور فوق‌الذکر را موردبررسی قرار داده است. نویسنده تلاش کرده به این پرسش پاسخ دهد که علل تحکیم نشدن دموکراسی در ایران، ترکیه و کره جنوبی در دوره تاریخی ۱۹۴۱ تا ۱۹۶۱ / ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ چه بود است؟

کتاب دوجلدی «تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران» نوشته ملک‌الشعرا بهار به لحاظ زمانی نزدیک‌ترین کتاب به دوره نهضت مشروطیت محسوب می‌گردد. نویسنده علاوه بر احزاب سیاسی ایران، جریانات سیاسی، موضوعات مهاجرت، قرارداد ۱۹۱۹، سقوط دولت‌های گرجستان و قفقاز و ارمنستان، مقدمات کودتا، مجلس چهارم، نطق دکتر مصدق در مخالفت با پادشاهی سردار سپه، نطق مرحوم مدرس، اخراج ولیعهد را تشریح نموده است. هر دو جلد کتاب از نظر وقایع دوره مشروطه اهمیت دارند. اهمیت اصلی «تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران» در تحلیل و تفسیر دقیق بهار از عملکرد احزاب سیاسی در مجلس شورای ملی است. وی به تفصیل موضع و مرام هر کدام و تغییر جهت یا از بین رفتن آن‌ها را نگاشته است. بدون توضیحات بهار و به‌خصوص توجه او به سهم احزاب بسیاری از وقایع آن زمان مفهوم نبود.

در ارتباط با شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران می‌توان به کتاب «پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت» به قلم منصوره اتحادیه (نظام مافی) اشاره نمود. این کتاب پژوهشی است راجع به احزاب در ایران در سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۰ هـ ق (۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱). نویسنده ضمن بررسی ریشه‌ها و پیش‌زمینه‌های تحزب در ایران و توضیح روند شکل‌گیری احزاب در مجلس اول و رشد آن‌ها در مجلس دوم، در بخش اول تحلیلی درباره انجمن‌های قبل از انقلاب مشروطه ارائه داده است. در بخش دوم کتاب به مجلس دوم و تحول احزاب پس از استبداد صغیر و برنامه احزاب در مجلس می‌پردازد. نویسنده معتقد است در منابع مربوط به احزاب سیاسی به تحولات تحزب در دوره زمانی یادشده توجه چندانی نشده است؛ بنابراین تلاش شده تا اولاً ریشه‌ها و سوابق تحزب در ایران موردبحث قرار گیرد، ثانیاً به تحولات احزاب و پارلمان به‌طور هم‌زمان پرداخته و تأثیر و تأثر این دو پدیده بررسی گردد.

«احزاب سیاسی ایران» کتابی است که توسط آقای محسن مدیر شانه چی به تألیف درآمده و به صورت موردی به مطالعه نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌ها متمرکز شده است. اهمیت این کتاب در این است که در فصل اول به تاریخ احزاب و فعالیت‌های حزبی در ایران پرداخته است. در این قسمت تاریخ حزب را به چهار دوره تقسیم‌بندی کرده و نگاه روشنی به تحولات حزبی در ایران ارائه داده است. در موضوع تاریخ تحلیلی احزاب ایران از این کتاب در پژوهش حاضر استفاده شده است.

کتاب «حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز» نوشته دکتر احمد نقیب زاده از جمله کتاب‌هایی است که پس از تشریح تاریخچه پیدایش احزاب، انواع حزب، ساختار درونی و عملکرد آن‌ها در جوامع امروزی، حزب در جهان سوم و ایران را در بخش پایانی کتاب توضیح می‌دهد. موضوعات اصلی کتاب با این عناوین سامان یافته است: پیدایش و سیر تکوین احزاب سیاسی، ساختار و جامعه‌شناسی حزب، کار ویژه حزب، نظام‌های حزبی، خانواده‌های بزرگ حزبی در اروپا، بررسی تحولات اقتصادی - اجتماعی بر روند زندگی حزبی در جوامع پیشرفته صنعتی و احزاب در جهان سوم و در ایران.

کتاب «تاریخ صدساله احزاب و سازمان‌های سیاسی ایران (۱۲۸۴-۱۳۸۴)» نوشته یونس پارسا بناب به صدسال فعالیت‌های حزبی در ایران می‌پردازد و با دقت تاریخچه فعالیت‌های حزبی را تا سال ۱۳۸۴/۲۰۰۵ بررسی کرده است.

کتاب «احزاب سیاسی معاصر ایران، چالش‌ها، دست آوردها» نوشته نصرالله نجات‌بخش. در این کتاب احزاب سیاسی معاصر ایران در دو طبقه‌بندی: ۱- احزاب ملی، مسلمان، وابسته ۲- احزاب چپ و چپ ملی مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده در پی پاسخ به این پرسش است که چرا حزب در ایران نهادینه نشده و پا نگرفته است؟ ایشان تأکید دارد که اگر احزاب اندیشه راهنما نداشته باشند، با بحران روبرو می‌شوند. بالینکه در این کتاب عدم نهادینگی مسئله اصلی پژوهش محسوب می‌گردد، اما توضیح وی در موانع نهادینه شدن احزاب در ایران قانع‌کننده نبوده و بیشتر به دوره‌های پدیداری و رشد احزاب پرداخته است.

کتاب «موانع سیاسی شکل‌گیری احزاب سیاسی ایران» به دوره قبل از انقلاب اسلامی می‌پردازد. آقای حسین چراغی نویسنده آن تلاش کرده در شش بخش موانع سیاسی شکل‌گیری احزاب در ایران را توضیح دهد. او معتقد است در ایران هنوز مطالعه جامعی درباره احزاب نظام‌های حزبی، ساختارهای حزبی و نظام‌های انتخاباتی به شکل صحیح و منسجم انجام نشده است؛ حتی در خصوص تعریف جایگاه، نقش و کارکردهای احزاب نیز تصویر روشن و صحیحی وجود ندارد. نویسنده می‌افزاید: در ایران احزاب روند تکامل طبیعی نهادینه شدن را طی نکردند و حاصل مبارزات صنفی و سیاسی تاریخی خاص خود نیستند؛ بلکه یا در پی وقوع تحولات اجتماعی سریع انقلاب‌ها و کودتاها و تغییرات دولتها و پیدایش دوران فترت سیاسی و نظایر آن سر برآوردند، یا به واسطه برخی سیاست‌های خاص دیکته شده از سوی نظام‌های سیاسی حاکم دولتهای وقت و یا بر اساس آموزه‌ها و سیاست‌های ایدئولوژیکی به وجود آمده‌اند.

آقای جمشید بهنام در کتاب «ایرانیان و اندیشه تجدد» ابعاد تجدد را از دو طریق وضع استعماری و وضع غیر استعماری وابسته به کشورهای دیگر قابل انتقال می‌داند. وی معتقد است هرچند بین این دو وضعیت شباهت‌های زیادی وجود دارد اما تفاوت‌های سیاسی و اجتماعی و به ویژه فرهنگی به گونه‌ای بوده که روند تجدد در کشورهای دسته دوم به شکل دیگری ظاهر شد و دخالت غرب سبب ایجاد نوعی خودآگاهی در میان گروهی کوچک از روشنفکران و فرمانداران ممالک قدیمی گردید. در این کتاب تجدد در کشورهای گروه دوم مانند روسیه، چین، ترکیه، ایران... مورد مقایسه و ارزیابی قرار می‌گیرد.